



آیا اینترنت منبع درستی برای کسب علم است؟

علم با طعم  
گام پروکالی!

۳

داستانی از «ژاکلین وودسون»

سه‌ت دیگر

۵

ویژه‌ی نوجوانان، سال بیستم، شماره‌ی ۱۰۱۳، پنج‌شنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۹، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۲، ۵ نوامبر ۲۰۲۰، ضمیمه‌ی شماره‌ی ۸۰۷۷ همشهری



نگاهی به بازی جادویی  
«هری پاتر: معماها و طلسم‌ها»

هری پاتر  
شو!

۶

چرخ اول

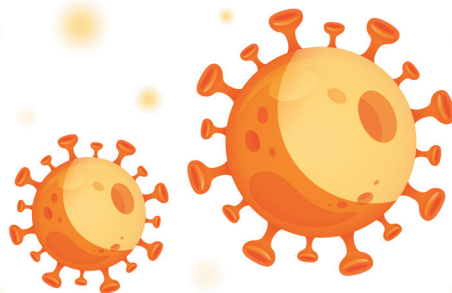
طوبیا و یسه

## فهرست خرید و هفت‌خان کرونا

گره‌ها، کلاغ‌ها، گنجشک‌ها و یا کریم‌ها با دیدن کیسه‌ی خرید، دور و برم را می‌گیرند. به آن‌ها توضیح می‌دهم متأسفم هیچ‌چیز خوش مزه‌ای در کیسه ندارم. و این کیسه‌ها ناامیدکننده‌ترین کیسه‌های خرید هستند. اما آن‌ها باور نمی‌کنند. دنبال من تا انتهای پارک می‌آیند. به خانه می‌روم. کیسه‌ها را باید در یک سبد بزرگ بگذارم. باید زره و کلاه خود را ضدعفونی کنم. ژاکت را پشت در بگذارم تا کوویدگشی شود. کار مادر تازه آغاز شده است. او با دقت، همه‌ی بطری‌ها و جعبه‌ها را باید با کف و مایع ظرف‌شویی بشوید و در کابینت و یخچال جای دهد. به مادرم می‌گویم: «می‌شود دفعه‌ی بعد من فهرست خرید را بنویسم؟» اما انگار نمی‌شنود و فقط در حال مبارزه با کروناست... دلم برایش می‌سوزد.

می‌شود که از خانه بیرون نمی‌آیم. زمین پر شده از برگ‌های زرد و قهوه‌ای و...  
گاهی تلفن همراه مادرم را می‌آورم و از زمین و برگ‌ها عکس می‌گیرم. البته مادر می‌گوید این کار خطرناک است... دلم می‌خواهد با این سر و وضع از خودم سلفی بگیرم.  
به فروشگاه می‌روم و باید طبق فهرست مادر خرید کنم؛ مایع ظرف‌شویی و دست‌شویی، پودر ماشین لباس‌شویی، مواد ضدعفونی سبزی و میوه... اصلاً در این فهرست، بنده در نظر گرفته نشده‌ام. چرا بستنی، بیسکویت و چیپس در این فهرست نیست؟! تخم‌مرغ و شیر هم هست، اما شیر کاکائو نیست!  
طبق فهرست خرید می‌کنم. کارت می‌کشم، کارت بانک را ضدعفونی می‌کنم و در جیبم می‌گذارم. باز از پارک می‌گذرم...

گاهی می‌روم خرید؛ بسا لباس رزم، چون رستم‌دستان، با زره و خود! البته با شیلد که نقابی شیشه‌ای است و ماسک سه‌لایه و دست‌کش. البته به‌جای گرز هم یک اسپری ضدعفونی کننده همراهم هست.  
خرید کردن در این روزها مثل گذر کردن از هفت‌خان رستم است؛ باید از پارک عبور کنم تا به فروشگاه برسم. البته همین هم خوب است، چون روزهای زیادی



## مثبت و منفی آموزش در منزل

## تمرین در زمین آموزش آنلایین

این روزها درس خواندن در فضای مجازی برای همه جدید است؛ برای ما والدین، معلمان و حتی مسئولان! ما درست شبیه بازیکنان فوتبالی هستیم که تازه عضو یک تیم جدید شده‌اند و خودشان را گرم می‌کنند تا یاد بگیرند چه‌طور در زمین جدید بازی کنند؛ چه‌طور با امکانات جدید کنار بیایند و مشکلات جدید را از سر راهشان بردارند. پس بهتر است به این تغییر بستر آموزشی، مثل تغییر در باشگاه جدید یا یک مسابقه‌ی تمرینی نگاه کنیم.

«مونا ملکیان»، مشاور و روان‌شناس، در گفت‌وگو با هفته‌نامه‌ی دوچرخه می‌گوید: «آموزش از راه دور، چه در فضای مجازی و چه از راه تلویزیون، باعث شده مدرسه به خانه بیاید، مسافت بین مدرسه و خانه حذف شود و بچه‌ها بیشتر استراحت کنند. از طرفی بچه‌ها فرصت دارند فعالیت‌های متفاوت

معاونت امور فرهنگی و اجتماعی شرکت بهره‌برداری متروی تهران برگزار می‌کند:

## متروهای کارتون‌ها!

هر روز میلیون‌ها نفر از شهروندان، مترو، این قطار درون‌گرا و زیرزمینی را برای سفرهای درون‌شهری خود انتخاب می‌کنند و در دیوار واگن‌ها و ایستگاه‌های مترو، می‌تواند وسیله‌ای مناسب و اثرگذار برای انتقال مفاهیم فرهنگی، آموزشی و اجتماعی باشد.

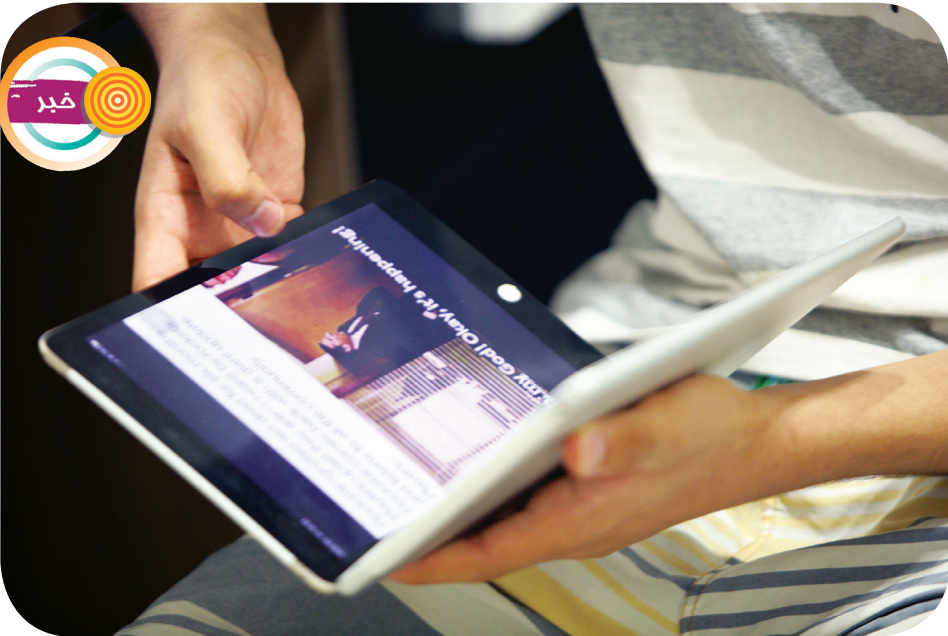
به همین مناسبت و به منظور ارتقای سطح آگاهی مسافران این وسیله‌ی سبز، معاونت امور فرهنگی و اجتماعی شرکت بهره‌برداری متروی تهران با همکاری مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران، نخستین جشنواره‌ی انیمیشن یک دقیقه‌ای مترو با عنوان «مترو میشن» را برگزار می‌کند.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی شهر، سید مجتبی تقوی‌نژاد، معاون امور فرهنگی و اجتماعی شرکت بهره‌برداری متروی تهران، با اعلام این خبر و با اشاره به روز جهانی

پویانمایی گفت: «انیمیشن به عنوان یک اثر هنری، قالبی مناسب برای انتقال مفاهیم فرهنگی، آموزشی و اجتماعی است و امروزه علاوه بر قدرت فراگیر و تنوع پرداخت موضوع در این زمینه مورد استقبال بسیاری از افراد قرار گرفته است. برگزاری این جشنواره زمینه‌ی بروز و ظهور استعدادهای خلاق در این عرصه را فراهم می‌کند.»

تقوی‌نژاد در تشریح موضوع‌های جشنواره‌ی مترو میشن گفت: «در این جشنواره موضوعاتی هم چون مترو، اخلاق و آموزش شهروندی، مترو و بانوان، مترو و کودکان، مترو و دست‌فروشان و مترو و فضای مجازی به رقابت گذاشته می‌شود که پس از بررسی از سوی هیئت داوران به آثار برگزیده جوایز ارزنده‌ای اهدا خواهد شد.

شرکت در این جشنواره برای همه‌ی علاقه‌مندان در همه‌ی گروه‌های سنی آزاد است. شما می‌توانید با مراجعه به سایت [metromation.metroplus1.ir](http://metromation.metroplus1.ir) نحوه‌ی شرکت در این جشنواره آگاه شوید.



عکس: محمود اعتمادی/دوچرخه

می‌دهند؛ اما باید پذیرفت که این تکالیف متفاوت، توانمندی‌ها و مهارت‌های جدیدی را به بچه‌ها آموزش می‌دهد و در نتیجه‌ی این تلاش‌ها، عزت نفس و خودباوری‌شان را تقویت می‌کند. ملکیان معتقد است که الان چیزی تغییر نکرده؛ تنها از بستر تعامل رودررو به بستر مجازی رفتیم و در واقع مسئله‌ها، همان مسئله‌هاست؛ یعنی باید بتوانیم در بستر جدید، مسائل گذشته را ببینیم و مثل قبل با کمک خودمان، والدین و معلم‌هایمان مشکلات را حل کنیم. او می‌گوید: «البته گاهی مسائلی

تا بتوانند بین خودشان و والدین و معلم‌هایشان اعتمادسازی کنند. وقتی والدین ببینند که من، دانش‌آموز مسئولیت‌پذیری هستم و قوانین خانواده را می‌شناسم و فعالیت‌های کلاسی و درسی را به تنهایی در محیط خانه پیش می‌برم، به من و حضورم در فضای مجازی اعتماد می‌کنند.» ملکیان ادامه می‌دهد: «معمولاً دانش‌آموزان شکایت دارند که در آموزش مجازی، فشار مدرسه بیشتر شده و چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی، معلم‌ها تکالیف بیش‌تری را به آن‌ها

## برگزاری یک رویداد موبایلی

اولین رویداد ملی ایده‌ی آزاد در بازی‌های رایانه‌ای، در کنار چهارمین جشنواره‌ی بازی‌های جدی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای برگزار می‌شود. به گزارش اداره‌ی کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در این دوره، بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی در سه بخش «بازی‌های جدی» شامل بازی‌های حرفه‌ای و آموزشی در حوزه‌ی کودک و نوجوان، بخش «ایده‌ی آزاد» شامل بازی‌ها و ایده‌های نو بازی‌سازها و استعدادهای جوان و خلاق و بخش «سمپوزیوم» شامل پژوهش‌ها، مقاله‌ها و تحقیق‌های علمی و دانشگاهی در حوزه‌ی کودک و نوجوان، مورد داوری قرار می‌گیرد. بخش کودک و نوجوان این رویداد ملی هم از سوی مرکز سرگرمی‌های سازنده‌ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارزیابی و داوری می‌شود. کشف و شناسایی افراد خلاق و مستعد در حوزه‌ی بازی‌های رایانه‌ای در سطح کشور از اهداف مهم این رویداد است.



## همشهری

گروه ضمائم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، استان‌ها، محله

نشانی: تهران، خیابان ولی عصر

نرسیده به پارکوی، کوچه‌ی تورج

شماره‌ی ۱۴، روزنامه‌ی همشهری

(طبقه‌ی پنجم: دوچرخه)

تلفن: ۲۳۰۲۳۱۰۰

ابراهیم رستمی عزیز (مسئول هماهنگی) و با سپاس از بخش‌های مختلف روزنامه‌ی همشهری

صندوق پستی دوچرخه: ۵۴۴۶-۱۹۳۹۵

تلفن: ۲۳۰۲۳۵۳۴ / نامبر: ۲۳۰۲۳۵۹۱

پست الکترونیکی: [docharkkeh@hamshahri.org](mailto:docharkkeh@hamshahri.org)

دوچرخه را آنلاین بخوانید:

@docharkkeh\_weekly

newspaper.hamshahronline.ir

[hamshahronline.ir/service/Children](http://hamshahronline.ir/service/Children)

سر دبیر: فریبا خانی

تحریریه: شیوا حریری (چشمه‌ها)، نفیسه مجیدی زاده

(دماسنج)، سیدسروش طباطبایی پور (مدیر

داخلی نشریه)، علی مولوی (شهر رنگ و چرخ فلک)،

پگاه شفتی (لوحنقره‌ای)، یاسمن رضائیان (خانه‌ی

فیروزه‌ای)، حسین تولایی (شعر)، نیلوفر نیک‌بنیاد و

محمود اعتمادی (عکس)

آلتیه: علی مولوی (مدیر هنری)، علیرضا صفری (صفحه‌آرا)،



ضمیمه‌ی هفتگی روزنامه‌ی همشهری

ویژه‌ی نوجوانان

سال بیستم، شماره‌ی ۱۰۱۳

پنجشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: مؤسسه‌ی همشهری



فکر می‌کنم همه‌ی علوم در گوشی من پنهان شده است؛ با یک جست‌وجو در مرورگرهای گوناگون می‌توانم بفهمم در چه ماهی از سال، مریخ به ماه نزدیک می‌شود یا فضاپروان در لباس خود چه امکاناتی دارند. می‌دانم مصرف کلم و کلم‌برو کلی برای گروه خونی O ضرر دارد.

می‌دانم کدام کشورها از انرژی هسته‌ای در خدمات پزشکی و درمانی استفاده می‌کنند. رازهای زندگی بوعلی سینا را می‌دانم و سخنان بسیاری از بزرگان علم و ادب را خوانده‌ام! از هر علمی که بخواهم چیزی بدانم، در اینترنت جست‌وجو و پیدا می‌کنم و دلیلی برای خریدن کتاب ندارم!

**علم چیست؟**

علم، تلاشی است برای فهم یا تفسیر جهان. در واقع هیچ تمایزی میان علم و فناوری وجود ندارد. علم می‌تواند کشف درمان بیماری‌ها، ساخت راه‌ها و پل‌ها، سفرهای فضایی و بمب‌های هسته‌ای باشد. علم، رفاه و آسایشی به‌رمغان آورده و از سوی دیگر ممکن است همین دانش، ویرانگری پدید آورد.

**باور نکنید!**

متخصصان علوم گوناگون، اطلاعاتی را که به‌طور گسترده در فضای مجازی منتشر می‌شود، منبع درستی برای دریافت اطلاعات نمی‌دانند. «محمد عامری»، کارشناس گیاهان دارویی می‌گوید: «این که مصرف دمنوش یا جوشانده‌های گوناگون رایج شده، اتفاق خوبی است. اما بعضی دمنوش‌ها را همیشه نمی‌توان مصرف کرد یا برای بعضی افراد مناسب نیست. افراد باید بدانند داروهای گیاهی و دمنوش‌ها، جای نیستند و اغلب خاصیت دارویی دارند؛ انگار شما بی‌دلیل، دارویی را بخورید.»

دکتر «نیما فیروز»، پزشک عمومی می‌گوید: «گاهی بسیاری از اطرافیان خود را می‌بینم که دنبال نشانه‌های بیماری در فضای مجازی می‌گردند

**آیا اینترنت منبع درستی برای کسب علم است؟**

# علم با طعم کلم پروکلی!

● نفیسه مجیدی زاده



کوتاه اینترنت را، بخشی از سرانه‌ی مطالعه می‌دانند. اما از جایی به بعد، بعضی‌ها اعتمادشان را به فضای مجازی از دست دادند و هر چه را خواندند، باور نکردند.

**امیر حسین**، ۱۴ ساله است و زمان زیادی از وقت روزانه‌اش در فضای مجازی می‌گذرد. او می‌گوید: «به اطلاعاتی که از کتاب‌ها می‌گیرم، ۹۸ درصد اطمینان دارم و به اطلاعاتی که در فضای مجازی می‌بینم، اعتماد کمی دارم. در ضمن اطلاعاتی را که ممکن است روی زندگی‌ام تأثیرگذار باشد از فضای مجازی نمی‌گیرم.»

او می‌گوید: «مثلاً در یک صفحه‌ی مجازی دیدم شخصی برای تبلیغ مرغ فروشی نوشته بود: «بیل گیتس در صفحه‌ی خود گفت، اگر از مردم فقیر جهان بودم، مرغ پرورش می‌دادم، چون کم‌خرج است و تخم مرغ تولید می‌کند و...» از این جمله‌ها زیاد است. برای همین بیشتر جملات بزرگان را باور نمی‌کنم و کلاً چیزهایی را که حاشیه‌ساز است دوست ندارم.»

مجموعه‌ای از گزارش‌های خبری بازنویسی کند. در این نمایش نامه با گزارش‌هایی دروغین و قطع برنامه‌های گوناگون از مردم می‌خواستند خانه‌های خود را ترک کنند. این نمایش نامه‌طوری اجرا شد که ترس و اضطراب شدید نیویورک را فرا گرفت و در نهایت مردم به خیابان‌ها ریختند. وقتی اعلام شد این فقط نمایش نامه‌ای رادیویی است، بسیاری از مردم بیرون از خانه بودند. حالا رسانه‌ها به‌شکلی دیگر در حال کنترل افکار و نحوه‌ی زندگی ما هستند. تولید محتوای دروغین و جعلی، آسان‌تر از قبل است و هر صفحه‌ی مجازی که دنبال‌کننده‌های زیادی داشته باشد، می‌تواند تبدیل به پایگاهی خبری شود و هر خوراکی را به دنبال‌کننده‌هایش بدهد.

**مرغ فروشی «بیل گیتس»!**

بعضی‌ها فضای مجازی را جایگزین کتاب کردند. بعضی‌ها گفتند هر علمی با جست‌وجویی ساده در اینترنت به‌دست می‌آید. بعضی‌ها مطالعه‌ی متن‌های

**فریب اول**  
اولین فریبی که مردم به‌طور جمعی از یک رسانه خوردند، مربوط به نمایش نامه‌ای رادیویی است که ۸۲ سال قبل اجرا شد. این نمایش نامه‌ی رادیویی در غروب یکی از روزهای پاییز به روی آنتن رفت.

«اورسن ولز»، که به‌عنوان کارگردان فیلم‌های «مکبث»، «آتلو» و «همشهری کین» شناخته می‌شود، آن روزها جوانی ۲۳ ساله بود. او و گروهش رمان معروف «جنگ دنیاها» اثر «لج. جی. ولز» را به «هاوارد گِج»، نمایش نامه‌نویس معروف آمریکایی دادند و خواستند رمان را به‌صورت

و از این راه، درمان‌های دارویی پیدا می‌کنند؛ در حالی که نشانه‌های بسیاری از بیماری‌ها، شبیه هم هستند. این کار ممکن است شما را به اشتباه بیندازد. گاهی پزشکان هم برای تشخیص یک بیماری از انواع آزمایش‌ها، تصویربرداری‌ها و اسکن‌ها استفاده می‌کنند.

این روزها برای استفاده از داروهایی که بدن را در برابر ویروس کرونا مقاوم می‌کند بحث زیاد است، توصیه‌هایی می‌شود که برخی از آن‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کنند و برخی هم چرایی... در ضمن ویتامین‌ها بهتر است از منابع طبیعی جذب بدن شوند.»



تصویرگری: نیبیری

## نگاهی به انواع مهاجرت پرندگان

# مهاجران

● ترجمه‌ی طاهره نمرودی

راه دانش

کرد؛ مانند دار کوب‌ها. **جهش قورباغه‌ای:** جهش قورباغه‌ای یا پرش، یک الگوی منحصر به فرد مهاجرتی است. جایی که پرنده‌ها برای مهاجرت، مسافت بیش‌تری را نسبت به جمعیت کم‌تحرک همان گونه طی می‌کنند.

**معکوس:** مهاجرت معکوس، انحرافی در بین پرنده‌ها مهاجر است و بیش‌تر در پاییز دیده می‌شود. پرنده‌ها جوان می‌توانند گنجشک شوند یا گمراه شده و به جای مهاجرت در مسیر مورد نظر، در جهت مخالف بروند. این پرنده‌ها گم‌شده، سرانجام سرگردان و دور از مکان قدیمی خود به سر می‌برند. معمولاً این نوع مهاجرت در تعداد زیادی از پرنده‌ها دیده نمی‌شود و بیش‌تر در مشاهدات فردی و جداگانه است.

**پرویزی:** برخی از پرنده‌ها فقط برای تطابق با دوره‌های سالانه‌ی پرویزی‌شان مهاجرت می‌کنند. این پرنده‌ها بسیار آسیب‌پذیر بوده و توانایی پرواز در مسافت کوتاهی را دارند. بعد از این که پرویزی کامل شد، آن‌ها بدون توجه به فصل یا آمادگی تخم‌گذاری به محدوده‌ی خود باز می‌گردند. این پدیده در بین بسیاری از اردک‌ها دیده می‌شود و در انواع دیگر پرنده‌ها معمول نیست.

**بی‌هدف:** این نوع مهاجرت، رویدادی نادر اما قابل پیش‌بینی است که بسیاری از پرنده‌شناسان امیدوارند شاهد آن باشند. در این نوع مهاجرت، تعداد زیادی از پرنده‌ها مهاجر به‌خاطر برخورد با توفان از مسیرهای مهاجرت معمول خود دور می‌شوند که می‌تواند منجر به سقوط پرنده‌ها یا مشاهدات نادری شود.

بسیاری از پرنده‌ها چه به عمد و چه به‌طور تصادفی، از بیش از یک نوع مهاجرت استفاده می‌کنند. پرنده‌هایی که الگوهای گوناگون مهاجرت را فرا می‌گیرند، بهتر می‌توانند از پس مهاجرت بر بیایند.

زمانی که طعمه بیش‌تر است. سهره‌ها و قوهای سیاه، از جمله پرنده‌هایی هستند که به شکل عشایری مهاجرت می‌کنند. **متهاجم:** مهاجرت این نوع پرنده‌ها، غیر قابل پیش‌بینی است، اما مهاجرت‌های چشم‌گیر، اغلب در زمستان است که تعداد زیادی از پرنده‌ها را به مناطق غیر معمول می‌آورد. برخلاف مهاجرت عشایری در طی این نوع مهاجرت، ممکن است بسیاری از پرنده‌ها، خارج از محدوده‌ی مورد انتظار پیدا شوند، اما دلیلش یکسان است؛ جست‌وجوی غذای مناسب و منابع آبی. سهره‌ی کاکل قرمز، انواع باسترک و جغدهای برقی، از جمله پرنده‌ها مهاجر هستند که الگوهای ناسازگار از خود نشان می‌دهند.

**پراکنده:** در حالی که همیشه مهاجرتی واقعی محسوب نمی‌شود، با این وجود پراکنده‌ی پرنده‌ها نسبتاً



قابل پیش‌بینی و فصلی است، هر چند فقط یک‌بار در طول زندگی یک پرنده اتفاق می‌افتد. در این مهاجرت، پرنده‌ها نوجوان مجبور می‌شوند از مکان تولد خود دور شوند، در حالی که والدینشان هم‌چنان از همان محدوده استفاده می‌کنند. این مورد بیش‌تر در بین پرنده‌هایی دیده می‌شود که در طول یک سال، در یک دامنه ساکن هستند و در طول سال از قلمروی خود دفاع خواهند

به سمت جنوب می‌رود. در مهاجرت حلقه‌ای، پرنده‌ها دریایی و ساحلی از تغییرات فصلی در الگوهای بادی برای مهاجرت خود استفاده می‌کنند.

**عشایری:** این حرکت کم‌تر قابل پیش‌بینی است و می‌تواند نامنظم باشد و بیش‌تر وابسته به دسترسی به منابع غذایی و آب است. پرنده‌ها عشایری تمایل دارند در همان محدوده‌ی عمومی باقی بمانند. مثلاً ممکن است زمانی که منابع کم شود، از آن قسمت کاملاً ناپدید شوند، اما زمانی که زیستگاهشان مناسب‌تر شود، برگردند. مثل بعد از بارندگی، یعنی

مهاجرت معمولاً با ویژگی‌های جغرافیایی تعیین می‌شود. مثل رشته کوه‌ها، خط ساحلی و زیستگاه‌های قابل دسترس.

**طولی:** شبیه مهاجرت عرضی است و بین طول‌های جغرافیایی از شرق به غرب یا غرب به شرق است. این روش رایجی برای مهاجرت پرنده‌ها در اروپاست؛ جایی که ویژگی‌های جغرافیایی پرنده‌ها را به حرکت طولی تشویق می‌کنند تا حرکت عرضی.

**ارتفاعی:** پرنده‌هایی که در کوه‌های بلند تخم‌گذاری می‌کنند، بیش‌تر به مهاجرت ارتفاعی علاقه‌مندند. در این نوع مهاجرت، حرکت به سمت ارتفاعات در زمستان کم‌تر است؛ وقتی که هوای سخت و بارش عمیق برف ممکن است ماندن در ارتفاعات بالا را غیرممکن کند. پرنده‌هایی که از مهاجرت‌های ارتفاعی استفاده می‌کنند، ممکن است مسافت زیادی نروند، اما همین مهاجرت هم می‌تواند تفاوت زیادی در زیستگاه‌ها و منابع موجود ایجاد کند.

**حلقه‌ای:** در این نوع مهاجرت مسیر مهاجرت رفت و برگشت کاملاً متفاوت است. مثلاً مرغ مگس‌خوار در بهار، راه ساحلی را از مکزیک تا آلاسکا طی می‌کند، اما در پاییز از گل‌های کوهستانی در راه، تغذیه می‌کند و

با سرد شدن هوا، پرنده‌ها مهاجر به نقاط گرم‌تر مهاجرت می‌کنند. پاییز فصل شروع مهاجرت پرنده‌ها است. در سراسر جهان، انواع پرنده‌ها مهاجرت می‌کنند؛ از مرغ‌آواز خوان گرفته تا اردک‌ها، مرغ مگس‌خوار یا پرنده‌های شکاری. مهاجرت پرنده‌ها، پیچیدگی این مهاجرت، غیر قابل پیش‌بینی بودن این سفرها و... رازهایی بسیار دارد. شاید مطالعه‌ی این سفرها به شناخت ما از پرنده‌ها کمک کند.

## چرا پرنده‌ها به روش‌های گوناگون مهاجرت می‌کنند؟

جنبه‌های زیادی از مهاجرت هستند که هنوز فهمیده نشده‌اند. پرنده‌شناسان موافقت می‌کنند که پرنده‌ها برای افزایش احتمال زنده ماندنش مهاجرت می‌کنند که می‌تواند برای تولیدمثل یا حرکت به محل سکونت مناسب‌تر یا امن‌تر باشد. همان‌طور که پرنده‌ها دلایل متفاوتی برای مهاجرت دارند، راه‌های متفاوتی هم برای به پایان رساندن این سفر حماسی وجود دارد. بعضی از پرنده‌ها می‌توانند در پروازهای طولانی مدت مهاجرتی، ساعت‌های زیادی در ارتفاع بمانند، در حالی که برخی دیگر سفرهای کوتاه‌تری را طی می‌کنند و در طول مسیر تغذیه می‌کنند. باقی پرنده‌ها ممکن است آب‌وهوای متفاوت یا الگوهای بادی را برای مهاجرت به کار گیرند. بعضی از پرنده‌ها از نشانه‌ها استفاده می‌کنند و اما برخی دیگر از ستاره‌ها یا از سرنخ‌های نجومی برای پیدا کردن راهشان بهره می‌برند.

## ۱۲ نوع از مهاجرت پرنده‌ها

**فصلی:** این مهاجرت، شناخته شده و گسترده است و براساس تغییرات فصلی قابل پیش‌بینی است. بیش‌ترین دوره‌ی این مهاجرت در بهار و پاییز است. هم‌چنین در بعضی مناطق، تغییرات بین فصل‌های خشک و مرطوب، نشانه‌های مهاجرت هستند.

**عرضی:** این مهاجرت بین مناطقی با عرض جغرافیایی متفاوت از شمال به جنوب و برعکس است. این رایج‌ترین نوع مهاجرت بسیاری از پرنده‌ها است که از قطب شمال به مناطق گرمسیری مهاجرت می‌کنند. جهت‌های دقیق





# سمت دیگر

● نوشته‌ی ژاکلین وودسون

● ترجمه‌ی نیلوفر نیک بنیاد



تصویر بزرگ: ای. بی. لوئیس

تابستان آن سال، حصاری که در شهرمان کشیده شده بود، بزرگ‌تر از همیشه به نظر می‌رسید. ما در خانه‌ای زردرنگ، در یک طرف حصار زندگی می‌کردیم و سفیدپوست‌ها در سمت دیگر حصار بودند. مامان همیشه می‌گفت: «وقتی بازی می‌کنی، از حصار بالا نرو، امنیت ندارد.» گاهی دختری را می‌دیدم که معمولاً لباس صورتی می‌پوشید و در آن حوالی چرخ می‌زد. او هرروز صبح از حصار بالا می‌رفت و به این طرف حصار، به محل زندگی ما زل می‌زد. گاهی وقت‌ها من هم به زل‌زدنش جواب می‌دادم و نگاهش می‌کردم. او همیشه تنها بود و هیچ‌وقت کس دیگری روی حصار همراهش نمی‌نشست. یک‌بار وقتی داشتیم چند نفری برای خودمان بازی می‌کردیم، او پرسید که آیا می‌تواند همراه ما بازی کند یا نه. دوستم «ساندرا»، بدون این که از بقیه‌مان چیزی بپرسد، سریع گفت: «نه!» نمی‌دانم اگر قرار بود من جواب بدهم، چه می‌گفتم. شاید بله و شاید هم نه.

بروم و می‌گفت: «پس چرا برای روزهای بارانی برایت اسباب‌بازی خریده‌ام؟ بهتر است در خانه بمانی که هم گرم است و هم امن و هم خشک.» در نهایت یک روز در اواسط تابستان، باران بند آمد و من از خانه بیرون رفتم. علف‌ها هنوز کمی رطوبت داشتند و آفتاب، درست وسط آسمان در حال تابیدن بود. کنار حصار ایستادم و دست‌هایم را به سمت آسمان باز کردم. آن‌روز احساس شجاعت می‌کردم، احساس آزادی. کمی به حصار نزدیک‌تر شدم. آن دختر هم آن‌جا بود و اسمم را پرسید. گفتم: «کلور». گفت: «اسم من «آنی» است؛ «آنی پال». من آن طرف زندگی می‌کنم. آن خشک‌شویی را می‌بینی؟ آن لباس من است که آن‌جا آویزان است.» و بعد خندید. لبخند زیبایی داشت.

بعد از او، من هم لبخند زدم. ما آن‌جا ایستاده بودیم و به هم‌دیگر نگاه می‌کردیم، در حالی که لبخند می‌زدیم. آنی گفت: «این‌جا بالای حصار خیلی بهتر است. می‌توانی همه‌جا را ببینی.» من دستم را روی حصار کشیدم و بعد بالایش را لمس کردم. آنی دوباره گفت:

«چنین حصاری برای این درست شده که رویش بنشینیم.» گفتم: «ولی مامان من گفته که نباید به آن طرف حصار بروم.» آنی جواب داد: «مامان من هم همین را می‌گوید، اما حرفی درباره‌ی نشستن روی حصار نزن.» گفتم: «مامان من هم همین‌طور!»

نگفت. در عوض یک روز صبح گفت: «می‌بینم که دوست جدیدی پیدا کرده‌ای.» سرم را به نشانه‌ی تأیید تکان دادم و بعد مامان لبخند زد. تابستان آن سال، من و آنی روی حصار می‌نشستیم و از آن بالا به تمام دنیای اطرافمان نگاه می‌کردیم. یک روز وقتی ساندرا و بقیه‌ی بچه‌ها داشتند بازی می‌کردند، من یک‌دفعه از شان پرسیدم که ما هم می‌توانیم بازی بکنیم یا نه؟ ساندرا این‌بار جواب داد: «بله، چرا که نه؟»

شروع کردیم به دویدن و پریدن اطراف حصار و باز هم من و ساندرا هم گروهی شدیم؛ همان‌طور که قبلاً بودیم. وقتی حسابی خسته شدیم، رفتیم و روی حصار نشستیم. همه‌مان، توی یک ردیف طولانی! همان‌موقع بود که آنی گفت: «فکر می‌کنم روزی یک نفر می‌آید و این حصار را می‌شکند و پایین می‌ریزد.» من سرم را تکان دادم و گفتم: «بله، یک روز...»



## درباره‌ی نویسنده

«ژاکلین وودسون»، نویسنده‌ی آفریقایی‌آمریکایی تبار است که کتاب‌های متعددی برای کودکان و نوجوانان نوشته و جوایز بسیاری هم به‌دست آورده است. چند کتاب او مدال نیوبری گرفته‌اند و خودش هم در سال ۲۰۱۸ میلادی برنده‌ی جایزه‌ی «آسترید لیندگرن» و در سال ۲۰۲۰ میلادی هم برنده‌ی جایزه‌ی «هانس کریستین آندرسن» شد که هر دو از مهم‌ترین جوایز ادبیات کودک و نوجوان در دنیا هستند.

او از قلمش به‌عنوان سلاحی در برابر سیاهی‌های دنیا استفاده می‌کند و بیش‌تر داستان‌هایش را درباره‌ی نابرابری‌های جنسیتی و نژادی، جنگ، فقر، اعتیاد و مشکلات دختران و زنان می‌نویسد. چند مورد از کتاب‌های او مانند «زیر نور ماه شیشه‌ای»، «پر» و «روزی که مادرم برمی‌گردد» در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند. این داستان هم کتاب دیگری از اوست که سال ۲۰۰۱ میلادی با نام «سمت دیگر» (The Other Side) یا تصویرگری‌های «ای. بی. لوئیس» منتشر شده است.

## واژه

● سیده محدثه حسینی

روی ریل‌های کاغذی سوار می‌شوند  
با خودم که فکر می‌کنم  
مسافر  
با تمام واژه‌ها، ترانه می‌شوم  
کوه و دشت و رود و آسمان  
توی کوله‌پشتی من اند

کوه و ذره و بلند و پست را  
با خودم که فکر می‌کنم  
تمام واژه‌ها  
کوپه‌کوپه  
پشت هم قطار می‌شوند  
در خیال من

با خودم که فکر می‌کنم  
باغ، واژه است  
دشت، واژه است  
رود و آسمان و هرستاره، واژه است  
تو پرنده‌ای که پر گشوده  
هر چه هست را



پسکوپه

نگاهی به بازی جادویی «هری پاتر: معماها و طلسم‌ها»

# هری پاتر شو!

## علی مولوی

را در بازی بسازید، نوع چهره و موها و لباس هایتان را انتخاب کنید و وارد داستان شوید. اما حجم این بازی به مرور و با داندلود مرحله‌های بالاتر، بالا رفت و کم‌کم هواداران روزهای اولیه‌اش را از دست داد.

حالا بازی تازه‌ای با نام «هری پاتر: معماها و طلسم‌ها» از راه رسیده که کاملاً داستان هری پاتر است. این بازی

می‌توانستید مدرسه‌ی هاگوارتز را توی جیب‌تان داشته باشید! البته آن بازی برخلاف نامش، ربط چندانی به خود هری پاتر نداشت و فقط ماجراهایش در دنیای جادویی هری پاتر اتفاق می‌افتاد.

در واقع داستان بازی از چندین سال پیش از ورود هری پاتر به مدرسه‌ی جادوگری هاگوارتز آغاز می‌شد. شما این امکان را داشتید که شخصیت خودتان

تا همین چندسال قبل خیلی سخت می‌شد تصور کرد که روزی بازی‌ای با موضوع «هری پاتر» را در گوشی‌های هوشمندمان داشته باشیم. این سبک از بازی‌ها، نیاز به گرافیک بالا و ابزار بسیاری دارند که معمولاً در کامپیوتر یا کنسول‌های بازی در دسترس بودند. اما حدود دو سال قبل بازی «هری پاتر: معماها و طلسم‌ها» از راه رسید که در آن



تمرکز و فکر بیش‌تری دارند. تمام مراحل این بازی کاملاً براساس داستان کتاب نخست هری پاتر طراحی شده‌اند و شما ضمن بازی و حل معما، با کلاس‌های جادویی، طلسم‌ها و سایر بخش‌های کتاب هم آشنا می‌شوید. ضمن این‌که در طول بازی، هری، هرمیون، رون، هاگرید، پروفیسور دامبلدور و سایر شخصیت‌های کتاب‌های هری پاتر هم به کمکتان می‌آیند تا بتوانید مراحل سخت‌تر را پشت سر بگذارید.

این بازی در گوگل پلی بیش از پنج میلیون بار داندلود شده و امتیاز آن از بین آرای ۲۲۸ هزار و ۴۳ نفر رأی‌دهنده، ۴/۸ از ۵ است.

گرافیک بسیار خوب و بالایی دارد، اما نسبتاً بازی سبکی است و در هنگام داندلود اولیه، فقط ۱۲۷ مگابایت فضا اشغال می‌کند.

البته سبک این بازی کاملاً متفاوت است و همان‌طور که از اسم و تصاویرش پیداست، با یکی از انواع بازی‌های جورچین، مثل «کندی‌کراش» طرف هست. یعنی باید معماهای هر مرحله را با جور کردن رنگ‌ها و گاهی هم استفاده از طلسم‌ها و وردهای کتاب هری پاتر حل کنید. ۵۰ مرحله‌ی نخست بازی آن قدر ساده طراحی شده که ممکن است فکر کنید این بازی خیلی کودکانه است، اما به مرور و هرچه بالاتر می‌روید، مراحل سخت‌تر و سخت‌تر می‌شوند و نیاز به

## جدول سودوکو

طراح: شراره تهرانی

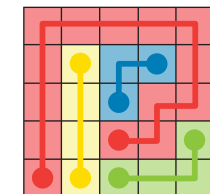
این جدول، نوع متفاوتی از جدول سودوکو است. در این جدول، خبری از بلوک‌های مربع ۹×۹ خانه‌ای نیست و همه‌ی خانه‌های بلوک‌ها به هم ریخته‌اند!

البته قانون سودوکو، هم‌چنان پابرجاست؛ باید عدد‌های ۱ تا ۹ را طوری داخل مربع ۸×۸ خانه‌ای (۹×۹) قرار دهید که در هر بلوک رنگی و ستون‌های افقی و عمودی، هر عدد فقط یک بار آمده باشد.

## جدول راه‌یاب

آرش فرخ‌زاد

این یک جدول ۸×۸ است و در واقع حکم یک نقشه‌ی لوله‌کشی را



دارد. همان‌طور که می‌بینید در برخی از خانه‌های این جدول، دایره‌هایی رنگی وجود دارد که خانه‌های شروع و پایان هر لوله را مشخص می‌کند. شما باید با کشیدن لوله بین دایره‌های هم‌رنگ، آن‌ها را به هم متصل کنید؛ اما توجه کنید که لوله‌ها نباید همدیگر را قطع کنند و مثل شکل، تمام خانه‌های سفید نقشه هم با لوله‌ها پر شوند.



## ماهی دودی

مشتری: شما چرا ماهی دودی نمی‌فروشید؟  
فروشنده: چون مغازه‌ی ما دودکش ندارد!

یوسف حمیدیان  
از تهران

## بها نه گیری

پدر: پسر، زود بدو برو گل‌های باغچه رو آب بده که همه‌شون خشک شدن.  
پسر: داره بارون می‌آد بابا.  
پدر: بی خود بها نه بگیر پسر! داری می‌ری، چتر بردار که خیس نشی!

سعیده یونسی  
از سمنان

## چیستان

اولی: اون چیه که قرمز و آبی، هشت تا پا داره و توی آسمون پرواز می‌کنه؟  
دومی: نمی‌دونم، خودت بگو.  
اولی: راستش منم هنوز اسمی برایش انتخاب نکردم!

زهرا خلیلی  
از تهران



۳	۲	۱	۴	۵			
۶		۴	۱	۳			
۶	۱	۸	۹	۳			
۵	۲	۳	۸	۱	۷	۴	
	۵	۲	۶			۹	
		۳		۹	۶	۱	۲
۷		۹	۲	۳		۸	
۳	۴				۲	۵	۸
۸		۷	۶	۴	۳	۱	

●							
				●			
●	●	●			●		
						●	
●			●				
●					●		
			●				●
●	●					●	●

شعرنوردی

به زبان شعر

● حسین تولائی

خیلی وقت‌ها شعری را به نام شعر سپید می‌خوانیم که اصلاً شعر نیست؛ بلکه نثر یا قطعه‌ای ادبی است که فقط سطرهایش به سلیقه‌ی شاعر و نه براساس اصول نگارش شعر سپید، زیر هم نوشته شده است. در واقع شاعر موفق نشده به زبان شعر حرف بزند. زبان یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که شاعر به کمک آن می‌تواند اثرش را برجسته کند. او با استفاده درست از زبان، از نثر فاصله می‌گیرد. خود زبان برای استفاده در شعر به ابزار دیگری نیاز دارد و آن ایجاز است. یکی از فرق‌های اساسی و مهم شعر و نثر ادبی ایجاز است.

شاعر باید تا می‌تواند برای حذف سطرها، جمله‌ها و کلمه‌های اضافه‌ی تلاش کند. اقتصاد کلام یعنی وقتی می‌شود اندیشه‌ای را با ۹ کلمه گفت چرا با ۱۰ کلمه بگوییم؟! باید تا این حد سخت‌گیر باشیم و حتی یک کلمه‌ی اضافه را هم از شعر برداریم. این کار فقط با بازخوانی و بازنویسی دوباره و سه‌باره و چندباره امکان‌پذیر است. به قول معروف ۱۰ درصد شعر جوششی است و ۹۰ درصدش کوششی. یعنی شاعر در لحظه‌ی سرودن دچار هیجان و احساس و عاطفه سرشار است و فقط می‌نویسد، اما باید بگذارد چند روز، یک هفته حتی چند هفته سپری شود. شاعر در این مدت از شعرش فاصله می‌گیرد و وقتی شوریدگی و جوشش اولیه فروکش کرد زمان کوشش و بازنویسی می‌رسد. در این مرحله کار اصلی این است که تا می‌تواند زبان شعرش را اصلاح کند. با منطق و عقل و البته باحوصله و سخت‌گیری باید زبان شعر را مهندسی کرد.

نکته‌ی دیگر برای رسیدن به زبان سالم شعر این است که شاعر با حوصله بگردد و مناسب‌ترین کلمه را برای ابراز اندیشه‌اش پیدا کند. کلمه‌ای که از نظر تصویری که در ذهن تداعی می‌کند، از نظر موسیقی کلام و ارتباط با موسیقی بقیه‌ی کلمه‌ها در بهترین جای ممکن شعر بنشیند. راه دیگر برای فاصله‌گرفتن از زبان نثر و رسیدن به زبان شعر این است که شاعر به جای توضیح دادن، تصویر بسازد. این حرف کلیدی همیشه یادتان باشد: توضیح نده! نشان بده! شعری کوتاه از «احمد شاملو» را مثال می‌زنم تا در یادداشت بعدی از نظر زبان و منطق نثر و شعر آن را تحلیل و بررسی کنیم. می‌گریست به قناری کوچکی دل باخته بود.

پشیمانی

چندی ست که دل تنگ و پریشان شده است  
پشت دیوار خانه پنهان شده است  
بیچاره درخت سیب از وحشت سنگ

از رویش خود سخت پشیمان شده است  
سارا قره‌تپه  
۱۶ساله از کرمانشاه



واژه‌های  
اشک

صدای گریه‌هایم را

از اشک‌هایم خواهی شنید

با دستت

کلمات را

از روی گونه‌هایم پاک کن

صابرین آلبوشوکه  
۱۵ساله از استان خوزستان

زندگی

بزرگ می‌شوم

شبیه یک پرند در میان ابرها

به عشق روشنای لحظه‌ها

پراز جوانه می‌شوم

درخت را مرور می‌کنم

و شانه‌های سخت کوه را

بزرگ می‌شوم

چنان که جنگل از بلوغ دانه‌ها، درخت

و رود از خروش قطره‌ها...

زهرا آذری  
۱۶ساله از شهرکرد

آینده

فردا

سیب سرخی ست در رؤیایم

می‌چینمش

و قصه‌ی زرد پاییز را

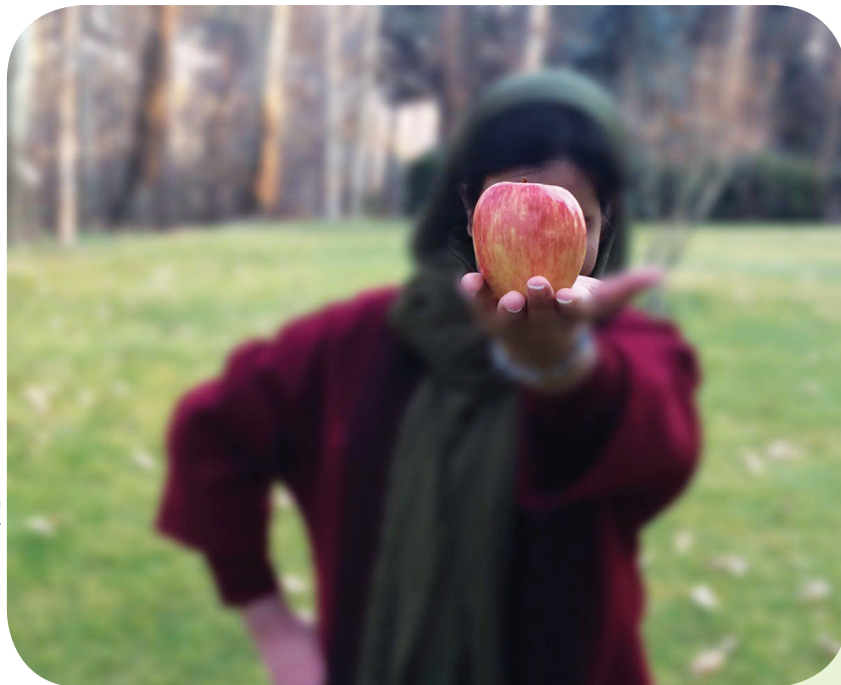
از یاد می‌برم

چشم‌هایم را می‌بندم

آواز آینده را با خود مرور می‌کنم

مثل لالایی مادر

ریحانه شهدادی، ۱۴ساله  
از استان سیستان و بلوچستان



عکس: نگار رضیانی پور از تهران



قرار ما، پنج‌شنبه‌ها؛ تا همیشه!

هیجان پنج‌شنبه‌ها

مجبور بودیم برای کلاس‌های اضافه‌ی ریاضی، پنج‌شنبه‌ها به مدرسه برویم. پنج‌شنبه‌ها برایم هیجان‌انگیز شد وقتی فهمیدم می‌توانم دو ایستگاه زودتر از اتوبوس پیاده شوم، دوچرخه را از دکه‌ی روزنامه‌فروشی بگیرم و بقیه‌ی راه را پیاده بروم...

نه ببخشید، پیاده نه... با دوچرخه جان!  
یادت باشد، قرار ما پنج‌شنبه، دکه‌ی روزنامه‌فروشی...

ملینا زبرک  
۱۶ساله از تهران

هزاره‌ی بعدی

هزاربار به دست ما نوجوانان این سرزمین رسیدی و ما را به شگفت آوردی. هزار بار با تو رکاب زدیم و هزاران شعر و داستان شنیدیم. چه زیباست با تو بودن. دوست من، در کنار ما رکاب زنان بمان؛ به امید هزاره‌ی بعدی.

زهرا علی‌جولا  
۱۴ساله از تهران

۱۰۰۰ بار

هزاربار منتظر آمدن تو بودیم. هزاربار برای داشتن تو پول گرفتیم و به سوی دکه دویدیم. هزاربار صفحات تو را خواندیم و شاد شدیم. هزاربار چیزهایی از تو یاد گرفتیم. و حالا به تو می‌گوییم تولدت هزارمین شماره‌ات مبارک!

راشین میراشه  
هشت‌ساله

رؤیایا را باور کنیم

من و خواهرم درباره‌ی همه چیز با هم حرف می‌زنیم، اما موضوعی هست که برای خودم نگه داشته‌ام؛ فانتزی‌هایم. هر کسی در این دنیا فانتزی‌هایی دارد؛ همان‌هایی که وقتی موسیقی گوش می‌دهی، بهشتان فکر می‌کنی. همان‌هایی که لبخند روی لب‌هایت می‌آورند. فانتزی من دنیایی است که مردم رؤیاهایشان را باور می‌کنند؛ مثل خیال‌خالص چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی.

خبرنگار قدیمی تو، فاطمه حبیب‌نژاد  
۱۷ساله از تهران

کنار هم هستیم

دوستت دارم دوچرخه جانم که در تمام شرایط برای ما رکاب زده‌ای. لاغر شده‌ای، ولی باز هم ادامه داده‌ای. تو از سفرها حرف زدی و قول دادی ما را به آن جا ببری. سفرمان آغاز شد. رکاب زدی. گاهی آرام و گاهی تند. سفر ما پایان ندارد. ما کنار هم هستیم، تا آخر... تا ابد...

ریحانه دانشمند  
۱۳ساله از قم

با تو گلستان شد

تو بهترین دوست من از دوران کودکی تا امروز هستی و خواهی بود. من با سه چرخه‌ی تو بزرگ شدم، با تو خندیدم و روزهای کسل‌کننده‌ی خود را با تو گلستان کردم. ۱۰۰۰ تا بی‌شمارت مبارک!

مبینا نجبر  
۱۵ساله از تهران



«افسانه ممیز»، همسر زنده‌یاد ممیز در یادداشتی گفته بود که چاقو، جایگاه خاصی در ذهن مرتضی داشته؛ وسیله‌ای برای هرس کردن، شکل دادن و... شاید به همین دلیل، در برخی پوسترهای این نمایشگاه، چاقو یکی از عناصر اصلی اثر است.

اثر محسن سلیمانی



نمایشگاهی به یاد «مرتضی ممیز» در موزه‌ی گرافیک ایران

# حرف‌ها به نام هنر

سیدسروش طباطبایی پور

بسیاری از اهالی گرافیک، «مرتضی ممیز» را آغازگر گرافیک نوین ایران می‌دانند؛ مردی که در سال‌های فعالیت حرفه‌ای خود، تلاش کرد زیبایی را علاوه بر دیوار نمایشگاه‌ها، به کوچه و خیابان هم بیاورد و آن را پیش روی مخاطبان عام قرار دهد. در بزرگداشت رفتار حرفه‌ای و هنر ماندگار او، قرار بود نمایشگاه پوستر با عنوان «ممیز؛ هنر به مثابه حرفه» برگزار شود؛ اما به خاطر شرایط کرونا، این نمایشگاه با چند ماه تأخیر و در هفته‌ی اول آبان در موزه‌ی گرافیک ایران (محوطه‌ی شمالی پارک پلیس تهران) افتتاح شد. در این نمایشگاه، ۲۵ اثر از میان ۳۷۲ اثر رسیده به دبیرخانه‌ی نمایشگاه، پیش روی علاقه‌مندان قرار داده شده است. هم‌چنین ۵۷ هنرمند مدعو هم به شکل افتخاری در این نمایشگاه شرکت کردند. ۱۶ اثر از میان آثار بین‌المللی منتشرشده در سال‌های گذشته هم نمایشگاه را دیدنی‌تر کرده است. این نمایشگاه از روزهای یک‌شنبه تا پنج‌شنبه هر هفته تا پایان آذر برپاست.



عکاسی از نمایشگاه: محمود اعتمادی/اوج‌چرخه



اثر پریسا غدیری

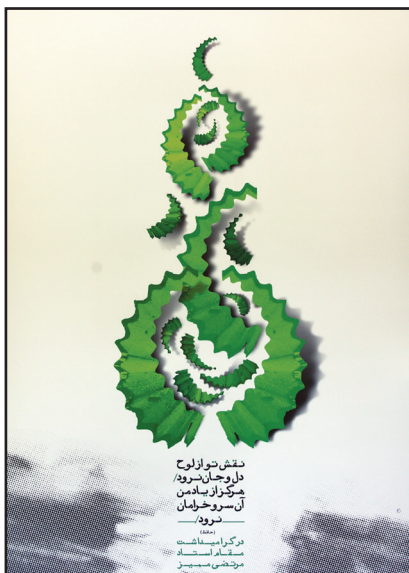
در این پوستر، هنرمند تلاش کرده، با مورب کردن حرف «الف» در واژه‌ی گرافیک و شبیه‌سازی آن به نشانه‌ی ممیز در علم ریاضی، این حس را به بیننده القا کند که ممیز، بخشی جداناپذیر از هنر گرافیک ایران است.

اثر مهردخت دارابی

لادن رضایی، یکی از شاگردان استاد است. او می‌گوید ممیز، گاهی در کارگاه‌های مدرسه‌ی هنرهای زیبا، برای دانش‌جویانش گلستان می‌خواند و در کنار تربیت هنری، به فکر و اندیشه‌ی شاگردانش هم اهمیت می‌داد. پوستر «مهردخت دارابی» هم شاید بیان‌گر همین موضوع است؛ افکار و اندیشه‌هایی که چون گل، از ذهن استاد بیرون تراویده.



پوسترهای گروهی از هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه، به مفهوم مانایی استاد ممیز در هنر گرافیک اشاره دارد. مثلاً پوریا عربانی، در اثرش، علاوه بر چندمان تراشه‌های سبز مدام، که درخت سرو خرامانی را در ذهن تداعی می‌کند، بینی از حافظ شیرازی هم نقش بسته... هرگز از یاد من آن سرو خرامان!...



اثر پوریا عربانی



اثر میمو کاستلانو

«میمو، یار قلمش را از دست داد.» این جمله‌ی عاشقانه از زبان یکی از گرافیست‌های مشهور کشور ایتالیا، در بالای پوستر او جا خوش کرده و چهره‌ی بین‌المللی مرتضی ممیز را به ما گوشزد می‌کند.



اثر مسعود شاکری

یکی از عناصری که مخاطب را به یاد استاد ممیز می‌اندازد، امضای مشهور اوست. مسعود شاکری هم در پوسترش، از امضای استاد استفاده کرده، اما به شکلی خلاقانه، با تا کردن ابتدای حرف «میم» و انتهای حرف «رز» در ابتدا و انتهای واژه‌ی «ممیز»، به سوال تولد و وفات او هم اشاره کرده است.



اثر نیکلاوس تراکسلر

بازی با حروف یا همان تایپوگرافی، شاخه‌ای از هنر گرافیک است که گرافیست شناخته‌شده‌ی سوئیسی، از آن بهره برده است.